

عنوان مقاله:

مقایسه تطبیقی دو رویکرد مشاء و متعالیه در ماهیت هنر اسلامی

محل انتشار:

پنجمین کنفرانس بین المللی تحقیقات بین رشته ای در عمران، معماری و مدیریت شهری قرن ۲۱ (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

مهتاب مصطفی زاده - کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشکده هنر و معماری

علی اصغر ملازهی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشکده هنر و معماری

خلاصه مقاله:

دربارهٔ پیدایش هنر اسلامی مطالب فراوان نگاشته شده است، با این که کماکان ابهاماتی در این باب وجود داشته، آنچه امروز به معنای هنر آمده است، هنر به معنی خاص است که با ابداع سر و کار پیدا می کنند نه هنر عام که عرفان و معرفت در زمره آن است. اما هنر به معنی عام به عبارتی نسبت بی واسطه و حضوری انسان یا اسمی است که مظهر آن است و این نسبت در تمام مراتب کمال است. تبیین ماهیت هنر اسلامی بنا به هر رویکردی، دست کم می تواند مجالی برای تأمل بیشتر در این باب بگشاید و جلوه هایی از ماهیت آن را تبیین نماید که این مسئله ضرورت پژوهش را مشخص می کند. هدف پژوهش حاضر پرداختن به ماهیت هنر از دیدگاه دو رویکرد حکمای مشاء مسلمان و حکمت متعالیه به هنر اسلامی که هریک از منظر و رویکردی خاص به بحث درباره ی هنر اسلامی و ماهیت پرداخته اند، است. حال این پرسش مطرح می شود که چه تفاوت و شباهت هایی در دو رویکرد مشاء و متعالیه نسبت به ماهیت هنر اسلامی وجود دارد؟ فرضیه پژوهش این است که نگاه متعالی دین اسلام به هنر و ارزش های، مُشعر به هنرمند بودن صاحب اصلی این دین است که خود خالق هستی بوده و هریک از رویکردهای مشاء و متعالیه با دیدگاه جدا و خاص خود در پی اثبات این مسئله است. نوشتار حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به مقایسه دو رویکرد مشاء و متعالیه در ماهیت هنر اسلامی می پردازد و در پایان این نتیجه حاصل می شود که هریک از رویکردهای مشاء و متعالیه با دیدگاه جدا و خاص خود هنر و ارزشهای آن را تنها نمی توان در نمود عینی آن، یعنی «هنر اسلامی» تجلی یافته دانست، بلکه این نگاه متعالی، مُشعر به هنرمند بودن صاحب اصلی این دین، خالق هستی است.

کلمات کلیدی:

هنر اسلامی، عرفان، منشاء، متعالیه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1156985>

